

راهبرد منطقه‌ای امریکا در عراق پسا انتخابات

با اینکه حکومت کاظمی در یک سال و نیم گذشته

برای امریکا و برنامه‌یزی‌ها و اقدامات ساختاری و ریشه‌دار کردن نفوذ امریکا به خوبی اجرا شده و برای خارج کردن ظرفیت‌های ملی این کشور در پیوند با جبهه مقاومت منطقه‌ای یا مناسبات با ایران، پروژه شام را برای گسره زدن زیرساخت‌ها و نیازمندی‌های عراق به متحدان عربی امریکا در خلیج فارس یا اردن و مصر که عملاً در برداشته‌اند ولی امریکا به دلایل زیادی قادر به استعمار و تحکیم این راهبرد خود در عراق نبود و پس‌رای انتخابات عراق برنامه‌ریزی جدیدی دنبال کرد.

از یک سال قبل امریکا به نحوی سازماندهی کرده بود تا از طریق یک ائتلاف کردی- سنی و نیروهای آموزش‌دیده چومری، تظاهر کنندگان و معترضان گروه‌نقدرت‌راز دست ائتلاف‌شیمی خارج و معادله قدرت جاری در عراق را به نفع خود یکسرسه‌سازی کنند. این محاسبات، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات امریکا با وجود اینکه هزینه‌های بالای مالی با مشارکت امارت و عربستان را متحمل شد، به شکست کشیده شد و لذا امریکایی‌ها تأخیر و تعویق اجرای انتخابات را پیگیری کردند که حاصل آن بی نتیجه بود. لذا پس‌رای محتوای انتخابات و مرحله پس از آن طراحی‌های خود را تکمیل کردند و در دستور قرار دادند.

پرسوده شدن بنیه‌های راهبردی امریکا در مقابل مقاومت عراقی، آنها را در مرز اخراج از عراق قرار داد و ناچار شدند تا پایان سال ۲۰۲۱ خروج و تغییر وضعیت حضور نظامی در این کشور اعلام کنند. در واقع امریکا بدون اینکه راهبرد تغییر آرایش حضور پایگاهی خود در عراق و سوریه را مدنظر قرار داده و از مدتی قبل و با کمترین انتشار خبری، در منطقه دموک در شمال اقلیم کردستان عراق در حال ساخت و شمال اقلیم بزرگ است تا از تخلیه عین‌الاسد و پایگاه الحریص به این پایگاه منتقل شود و تحولات عراق و سوریه را مدیریت کند. ماهیت این راهبرد بر تزحیبه شمال عراق و بخش‌هایی از سوریه در شرکت فرات متمکز است که واکنش ترکیه را برانگیخته است ولی امریکا با این پروژه به قدرش با کاهش نیروهای خود نیز می‌آید و به لحاظ سرمایه‌زمینی و جغرافیایی، اتصال و پیوند عراق با سوریه را به شکل جدی در شرایط مسدود یا غیرقابل بهره‌برداری قرار داده‌اد.

■ دستکاری گسترده انتخابات برای ماندن کاظمی
برنامه‌ریزی کاملاً آشکار سیستم ثبت آرای انتخاباتی از طریق نظام پایومتریک که مرکزیت

۴ دورنما

دکتر سیدرضا میثرا

امریکا سیاست تجاوزکارانه در قبال سوریه را از سال ۲۰۱۱، در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما، بر حمایت از گروه‌های تروریستی و دامن زدن به جنگ داخلی با هدف سرنگونی دولت قانونی بشار اسد و تضعیف محور مقاومت با همراهی برخی کشورهای عربی متحد خود مانند عربستان، قطر و امارات آغاز کرد. با این حال این تلاش‌ها به بن بست رسیده و حالا عملاً دولت قانونی سوریه کنترل بخش اعظم این کشور را پس از پاکسازی این مناطق از تروریست‌ها در دست گرفته است. به‌رغم واقعیات میدانی، واشنگتن همچنان سیاست خصمانه خود را علیه دمشق ادامه داده است. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین امریکا ضمن حفظ حضور نظامی غیرقانونی امریکا در سوریه به بهانه مبارزه با داعش، عملاً اقدام به اشغال بخش‌هایی از خاک سوریه و غارت نفت این کشور کرد. همچنان ادامه دارد. هر چند با روی کار آمدن جو بایدن رئیس‌جمهور جدید امریکا و ادعای او درباره اتخاذ سیاست‌ها و رویکردهای جدید و معکوس کردن سیاست‌های دولت ترامپ در عرصه سیاست خارجی و امنیتی، انتظار می‌رفت که تحولی در این زمینه صورت گیرد، با این حال بایدن همان سیاست زورمدارانه ترامپ را در قبال سوریه از جمله با حمله به برخی پایگاه‌ها در مرز سوریه و عراق و تأکید بر تداوم این گونه اقدامات ادامه داده است.

ضمن اینکه واشنگتن همچنان سیاستی خصمانه علیه سوریه را دنبال کرده و مخالف عادی‌سازی روابط دیگر کشورها با دمشق است. بر تداوم این گونه اقدامات ادامه داده است. ضمن اینکه واشنگتن نیز نتایج اندکی به همراه داشته است. روزنامه «واشنگتن پست» نیز در راستای سرنگونی دولت قانونی سوریه عمل می‌کردند، با تغییر آشکار در رویکرد قبلی خود به احیای روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود با دولت بشار اسد پرداخته‌اند. اردن که همسایه سوریه و از متحدان اصلی امریکا در منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌آید، اواخر ماه سپتامبر گذر گاه مرزی اصلی خود با سوریه را به طور کامل بازگشایی کرد تا معاملات اقتصادی دو کشور از سر گرفته شود. دولت قانونی سوریه بوده و لذا با هر گونه عربی برای تعامل مجدد با سوریه تلقی شده است. همچنین ملک عبدالله دوم پادشاه اردن برای نخستین بار در یک دهه گذشته در این ماه با بشار اسد صحبت کرد، در حالی که وزیران خارج مصر و سوریه ماه گذشته در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک ملاقات کردند، ملاقاتی که برای اولین بار در حدود یک دهه اخیر انجام شد. روزنامه امریکایی «نیویورک تایمز» در گزارشی نوشتن واضح است که بشار اسد همچنان در قدرت باقی مانده و تحریم‌های

تخلفات گسترده و سازمان یافته و با مشارکت حکومت کاظمی، کمیساریای عالی انتخابات، خاتم بلاسخرات، نماینده سازمان ملل در عراق و دست‌های پنهان و آشکار امریکا، انگلیس و امارات بلند شد. اگر دستکاری سیستم پرذاخت‌های مالی که قرار داد آن را به سبب عدم سطحی محدود ائتلاف می‌افند، شاید اعتراض زیادی را موجب نمی‌شد ولی یک دستکاری محدود در نتایج انتخابات، اهداف مرحله‌ای امریکارا محقق نمی‌کرد لذا با وجود تمام رسوایی‌های علنی در امتداد بسیاری از تخلفات و تقلب صورت گرفته، هزینه رسوایی را پذیرفتند و به اجرا گذاشتند. دستکاری در نتایج انتخابات به نحوی انجام شده تا مقتدی صدر با همراهی حبیبوس و مسعود بارزانی امکان تشکیل حکومت را پیدا کنند و جریان اصلی شیعه و مقاومت را به طور کامل کنار بگذارند و گام‌های تکمیلی در برنامه امریکا برای انحلال حشدالشعبی و انزوا ی مقاومت را عملی کنند و به حضور ایران در عراق پایان دهند و عراق به طور کامل در گروهه ندرت زور رژیم صهیونیستی در دست با کشورهای عربی یاد شده به ابزار کامل امریکا در سیاست‌های منطقه‌ای آنها تبدیل شود.

در ترکیب ائتلافی و مطلوب امریکا هدف آنست که کاظمی در قدرت باقی بماند ولی بهره قدرت سایه و منافع مالی و رانت‌های گوناگون آن به مقتدی صدر برسد و امکان شفاف بزرگ و دو گانه‌سازی در پیکره جریان شیعه در فضای تحریمی شکل بگیرد و استعمار باید. در این فضا، امریکا فرصت و امکان خواهد داشت مسئله اخراج از عراق را به جابه‌جایی و آرایش جدید تبدیل کند و به



موازات تنش در فضای شیعی، مسئله تزحیبه عراق و استقلال اقلیم کردی را با خیال راحت و با کمترین هزینه و با همکاری کاظمی به اجرا یگذرد. بخشی از تنش مناسبات اردوغان بر امریکا که شرایط مالی و اقتصادی ترکیه را در ماه‌های اخیر به نقطه بحران نزدیک کرده است، مرتبط با برنامه‌های امریکا در شمال عراق و سوریه است و البته با بهانه‌های فرعی در رسانه‌ها دنبال می‌شود. از نگاه امریکا و در اولویت‌های این کشور، با اینکه امریکا باید حضور پر تعداد پایگاهی خود را در منطقه کاهش دهد ولی نیازمند ابزارهای کنترلی و یک منطقه پراشوب است که بخشی از دستاوردهای آن باید به کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و ناکارآمد کردن یا فرسایش مقاومت در منطقه منتهی شود.

حلقه تکمیلی این پروژه امریکایی –اسرائیلی انگلیسی برای فرسایش پتانسیل منطقه‌ای ایران با مشغول‌سازی ایران، در پرورده افغانستان و قفقاز دنبال می‌شود و تلاش ما یوسانه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سوریه به مسکو و دیدار با پوتین که با دست خالی بازگشت، با هدف کاستن از ظرفیت‌های ایران در سوریه یا کسب مجوز از روسیه برای استمرار حملات به نقاط استقرار مقاومت ایران در این کشور و در یک آرزوی بلندپروازانه به دنبال بی طرف کردن یا غیرفعال کردن روسیه در قبال طرح امریکا برای عراق و سوریه انجام شد. این کار به صهیونیست‌ها سپرده شده بود تا امریکا مجبور نباشد در مناسبات با روسیه و دنبال کردن سیاست مهار روسیه در مناطق گوناگون ناچار به دادن امتیاز جدید به روسیه باشد.

ماه عسل متحدان واشنگتن با سوریه اسد!

عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با سوریه به‌رغم خواسته واشنگتن، نشانه ناکامی سیاست امریکا بعد از ۱۰ سال جنگ است



امریکا علیه سوریه نیز نتایج اندکی به همراه داشته است. روزنامه «واشنگتن پست» نیز پس از انتشار گزارش‌های متعدد درباره توسعه روابط برخی کشورهای عربی با دمشق، در یادداشتی نوشت که رئیس‌جمهور امریکا به صورت ضمنی عادی‌سازی روابط با اردن که همسایه سوریه و از متحدان اصلی امریکا در منطقه غرب آسیا به‌شمار می‌آید، اواخر ماه سپتامبر گذر گاه مرزی اصلی خود با سوریه را به طور کامل بازگشایی کرد تا معاملات اقتصادی دو کشور از سر گرفته شود. دولت قانونی سوریه بوده و لذا با هر گونه اقدامات جبهه غربی-عربی به همراه ترکیه در این زمینه با شکست کامل مواجه شده و گروه‌های تروریستی مورد حمایت آنها که امریکا و این کشورها به منظور سرنگونی

■ گرفتاری مسکو در بازی واشنگتن
متأسفانه روس‌ها هم در قفقاز و تحولات جاری در آن هم در پرورده افغانستان در بازی امریکا گرفتار و تا حدودی دچار غفلت یا خطا در تعیین اولویت‌های راهبردی خود و همپیمانان منطقه‌ای خود شده‌اند و در قبال برنامه امریکا در عراق و سوریه، در قامت راهبردی شایسته ظاهر نشده‌اند و به امتیازی که در جنوب سوریه کسب شد یا وعده‌های که در استان ادلب سوریه از امریکا دریافت کرده‌اند، سرگرم شده‌اند. روس‌ها از یک مسئله مهم غافل هستند که عزم امریکا و بخش مهمی از متحدان غربی و اروپایی آنها در یک رویکرد دیگر و فرآینده تقابل با روسیه قرار گرفته است و با دام‌گستری به دنبال تضعیف پیوندهای روسیه با متحدان آسیایی شان هستند. این روند روسیه را در شرایط آسیب‌پذیری راهبردی قرار خواهد داد که باید به سرعت آن را اصلاح کنند. منافع راهبردی و بلندمدت روسیه و تحکیم موازنه قدرت روسیه در حوزه‌های خارج نزدیک و فراتر از آن در غرب آسیا و شبه‌قاره ایجاب می‌کند که روس‌ها به روش‌ها و رویکردهای منتهی به اخراج از منطقه اولویت و حساسیت ایجابی ندهند و با آن همراه باشند. سیاست‌های روسیه در قبال ترکیه به نوعی پختا آزمایی پرریسک شبیه است و در آرزوی جدا کردن ترکیه از ناتو و غرب هستند که نشانه‌های امروز در ماه‌های اخیر به نقطه بحران نزدیک کرده است، مرتبط با برنامه‌های امریکا در شمال عراق و سوریه است و البته با بهانه‌های فرعی در رسانه‌ها دنبال می‌شود. از نگاه امریکا و در اولویت‌های این کشور، با اینکه امریکا باید حضور پر تعداد پایگاهی خود را در منطقه کاهش دهد ولی نیازمند ابزارهای کنترلی و یک منطقه پراشوب است که بخشی از دستاوردهای آن باید به کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و ناکارآمد کردن یا فرسایش مقاومت در منطقه منتهی شود.

حلقه تکمیلی این پروژه امریکایی –اسرائیلی انگلیسی برای فرسایش پتانسیل منطقه‌ای ایران با مشغول‌سازی ایران، در پرورده افغانستان و قفقاز دنبال می‌شود و تلاش ما یوسانه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در سوریه به مسکو و دیدار با پوتین که با دست خالی بازگشت، با هدف کاستن از ظرفیت‌های ایران در سوریه یا کسب مجوز از روسیه برای استمرار حملات به نقاط استقرار مقاومت ایران در این کشور و در یک آرزوی بلندپروازانه به دنبال بی طرف کردن یا غیرفعال کردن روسیه در قبال طرح امریکا برای عراق و سوریه انجام شد. این کار به صهیونیست‌ها سپرده شده بود تا امریکا مجبور نباشد در مناسبات با روسیه و دنبال کردن سیاست مهار روسیه در مناطق گوناگون ناچار به دادن امتیاز جدید به روسیه باشد.

رویکرد

چرا ترکیه از طرابلس خارج نمی‌شود؟

رؤیای «آبی» اردوغان با اشغال لیبی

طرح خارج کردن نیروها و مزدوران خارجی از خطوط تماس و عقب راندن آنها از این خطوط به سمت نقاط مورد توافق در دو شهر معین است. مرحله دوم دعوت از ناظران بین‌المللی است تا با ناظران محلی برای اجرای طرح مصوب زنو و تخلیه تدریجی، متعادل و هم‌زمان نیروهای خارجی از لیبی نظارت بسا یکدیگر همکاری داشته باشند. تاکنون تعداد این ناظران تعیین نشده و تنها تلگرامی به سازمان ملل و شورای امنیت در این خصوص فرستاده شده است.

مرحله سوم عبارت است از شروع به کار این ناظران و فرآیند رصد تعداد واقعی نیروها و مزدوران خارجی لیبی و مستند کردن این تعداد است تا معلوم شود چه تعداد افرادی باید از لیبی خارج شوند. مرحله چهارم و گام نهایی این در نظر گرفته شده بود به خصوص این که ترکیه در لیبی بیشترین سرمایه‌گذاری اقتصادی و نظامی را داشته و اهمیت لیبی برای این کشور بی‌تردید بیشتر از آن سه کشور دیگر آفریقای است. علاوه بر این، همزمانی لغو سفر اردوغان به لیبی با مذاکرات کمیته نظامی مشترک در لیبی قابل توجه است. این مذاکرات در مورد تنظیم طرح خروج نیروهای نظامی خارجی و مزدوران مسلح از لیبی که جزئیات آن سرانجام روز یکشنبه ۱۷ اکتبر اعلام شد و لغو سفر اردوغان به لیبی می‌تواند نشانه‌ای از ناخشنودی او از پیشرفت کار این کمیته باشد.



بعد از امضای توافقنامه زنو در ۲۳ اکتبر انجام شود که تاکنون هیچ توافق خاصی در این زمینه نیفتاده است.

■ نگاه‌ها به ترکیه

شکی نیست موفقیت طرح کمیته ۵+۵ پیش شرط اساسی برای برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری لیبی در ۲۴ دسامبر ۲۰۲۱ است تا با پایان دادن به کار دولت موقت وحدت ملی، لیبی دولت و پارلمان دائمی و قانونی خود را داشته باشد. با این حال مسئله اساسی اینجاست که ضمانت موفقیت این طرح چگونگی تأمین خواهد شد که به کاک سفید امکان اجرای عملی آن نباشد و به بهانه‌هایی بخواهد پذیرفتن این طرح ندارد و حتی آنتونی بلینکن وزیر خارجه امریکا دست از پرده‌پوشی برداشت و ماه قبل میلادی در حاشیه هفتاد و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل خواستار خروج نیروهای ترکیه از لیبی شد. به نظر می‌رسد واشنگتن از قبل تمهیدی برای فشار وارد کردن بر ترکیه اندیشیده باشد زیرا کنگره امریکا لایحه «قانون ثبت لیبی» را در روز شنبه ۲۹ سپتامبر به تصویب رسانده که به کاک سفید امکان مجازات اقتصادی کشورهایی را می‌دهد که به حمایت از جناح‌ها و گروه‌های لیبیی و دخالت در امور داخلی این کشور ادامه می‌دهند.

شکی نیست که اجرای این طرح به نفع ترکیه نیست و به همین جهت بود که آنکارا اجاری هر گونه طرحی برای خروج نیروها و مزدورانش از لیبی را منوط به خروج شبه‌نظامیان اتحاد کرده بود. در واقع، آنکارا سعی می‌کند با پیش کشیدن تفسیرهای خود از طرح خروج ۵+۵ مثل خروج مزدوران سوری در برابر خروج مزدوران روسی و دیگر مزدوران حامی حفره، به پیچیدگی‌های این طرح بیفزاید و با خرید زمان اهرم فشار خود را برای حفظ نیروهایش در ترکیه افزایش دهد. باید توجه داشت که ترکیه حضور نظامی اش در لیبی را تحت عنوان تحقق استراتژی وطن آبی می‌داند زیرا تحقق این استراتژی منوط به تشکیل پایگاه‌های نظامی ترکیه در منطقه ترک‌نشین جزیره قبرس و سواحل لیبی است تا این که خط مستقیمی از سواحل خود در شمال مدیترانه شرقی تا سواحل لیبی در جنوب این دریا به دست آرد. اگر ترکیه حضور نظامی خود را در لیبی به طور کلی از دست بدهد به سختی خواهد توانست استراتژی وطن آبی اش را در سر تا سر مدیترانه شرقی محقق سازد.

۵+۵ آماده امضای طرحی در مورد «خروج» تدریجی و متوازن نیروهای خارجی» است. برنامه‌های شبکه خبری ۲۱۸ لیبی روز یکشنبه ۱۸ اکتبر اعلام کرد طرح مصوب این کمیته شامل چهار مرحله می‌شود. مرحله اول این



ترکیه حضور نظامی در لیبی را شرط تحقق استراتژی وطن آبی می‌داند زیرا تحقق این استراتژی منوط به تشکیل پایگاه‌های نظامی ترکیه در منطقه ترک‌نشین جزیره قبرس و سواحل لیبیی است

■ مداخله جویی در شمال آفریقا

دولت ترکیه از شروع بحران در جهان عرب آماده شد نقش فعالی را در این بحران به عهده بگیرد. در حالی که مداخله جویی آنکارا در جنگ داخلی سوریه هم‌سویی آن با کشورهای ترک‌تندمندی عربی و حامیان غربی آنها را به دنبال داشت اما حمایت آن از اخوان المسلمین و جریان‌های وابسته به آن در شمال آفریقا جدایی از این محور را به دنبال برداشت. این موضوع در زمینه جنگ داخلی لیبی تا آنجا پیش رفت که آنکارا اسال ۲۰۱۹

اهداف خود در سوریه از جمله از هم گسیختن محور مقاومت از طریق زور دست یابند از طریق دیپلماسی و قدرت نرم و وعده‌های اقتصادی به این مهم دست یابند. دلیل دیگر بی‌اعتنایی کشورهای عربی به خواسته دولت یابدن این است که سیاست‌ها و اقدامات جو بایدن رئیس‌جمهور امریکا به ویژه خروج متفصلانه امریکا از افغانستان و پشت کردن به دولت کابل، به کشورهای عرب متحد واشنگتن در منطقه نشان داد که هیچ اعتمادی به قول‌ها و تعهدات امریکا درباره حفاظت از آنها وجود ندارد و آنها باید با توجه به واقعیات منطقه از جمله قدرت‌گیری محور مقاومت و قبول شکست سیاست‌ها و اقدامات خود در سوریه در برابر محور مقاومت باید به احیای روابطشان با دمشق بپردازند.

■ جمع‌بندی

از دیدگاه اعراب تجربه افغانستان نشان داد که از این پس باید در زمینه دنباله‌روی از امریکا در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی احتیاط زیادی صورت دهند. گام اول را در این زمینه امارات و چند کشور دیگر عربی برداشتند. برای این کشورها سوریه و موقعیت آن از اهمیت غیر قابل انکار ی برخوردار است و لذا حاضر نیستند تا همچنان با سیاست شکست خورده واشنگتن در قبال سوریه همراهی کنند. بی‌توجهی کشورهای عربی به خواسته دولت بایدن در باره سوریه در عین حال نشانگر کاهش قابل توجه اعتبار امریکا نزد متحدان منطقه‌ای آن در جهان از جمله در غرب آسیاست. در واقع خروج امریکا از افغانستان که به ادعای جو بایدن رئیس‌جمهور این کشور به منظور رها شدن امریکا از درگیری در جنگ‌های بی‌پایان رخ داد، از دیدگاه جهانی به منزله نمادی از افول سوریه، زمینه دوری تدریجی دمشق از محور مقاومت و ایران را فراهم آوردند. آنها بر این قدرت تأثیر گذار جهانی بود.